



علوم انسانی مسموم

اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتا مسموم هشدار دادم- هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان- به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است، متکی بر جهان‌بینی دیگری است، حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رایج شد، مدیران پراساس آنها تربیت می‌شوند، همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است.

۱۳۸۹/۷/۲۹

حمایت ۶۰۰ مسئول بسیج دانشجویی از یک قاضی

۰۰ عنقر از مسئولان بسیج دانشجویی دانشگاه‌های کشور با امضای طوماری از قاضی مقبسه قاضی جدید پرونده مهدی‌هاشمی حمایت کردند و از او خواستند که در اجرای عدالت، تحت تأثیر فشارهای سیاسی قرار نگیرد.
بخش‌هایی از این طومار بدین شرح است:
«... پس از سال‌ها که همگان منتظر اقدام جدی قوه قضائیه در برخورد با اسرمایه‌داران و آقا‌زادگان بودند، شاهد عزم این قوه در برخورد با مافیای قدرت و ثروت می‌باشیم.
اینک مطالبه جدی ما دانشجویان از جناح‌های این است که در مقابل فشارهای استبدادی نامیدب و باسجاعت و عزم انقلابی، سراج‌ها پرونده «مهدی‌هاشمی» را مشخص نمایند. دانشجویان انقلابی ضمن حمایت از اقدامات اخیر قوه قضائیه، به‌ویژه در دادگاه کشاندن اقراراده فعال در فتنه، اخبار این پرونده را دقیقاً رصد می‌نمایند و تا تحقق نتیجه‌تهایی پیگیری خواهند نمود.»

تربیت جاسوس در دانشگاه‌های انگلیس

دولت انگلیس به دنبال افزایش جرائم سایبری به شش دانشگاه این کشور مجوز تربیت جاسوس‌های سایبری را اعطا کرد. در فهرست دانشگاه‌هایی که به تربیت جاسوسان اینترنتی اقدام می‌کنند دانشگاه‌های اسکس‌فورد و «لنکستر» به چشم می‌خورند.
دور‌همای کارشناسی ارشد این رشته نیز در دانشگاه‌های لندن، «سوری»، «هیپریدادینبر» و «کرنفیلد» ارائه می‌شود.
ستاد ارتباطات دولتی انگلیس (GCHQ) در بیانیه‌ای ارائه‌ه‌م‌جوز به شش دانشگاه به منظور تدریس رشته جاسوسی سایبری را گام بسیار مهمی در افزایش و گسترش دانش و مهارت در زمینه امنیت سایبری انگلیس عنوان کرد.

بدنه دانشگاهی کشور، خواستار استیضاح

بسیج دانشجویی دانشگاه تهران با صدور نامه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس، نکاتی را درباره استیضاح وزیر علوم مطرح کرد.
بخش‌هایی از این نامه بدین شرح است:
«... متأسفانه از بدو فعالیت‌های آقای فرجی‌دانا نقض قوانین دستگاکه آموزش عالی به یک امر طبیعی تبدیل گشته است، واگذاری اختیارات حاکمیتی وزارت خانه، برگزاری انتخابات‌های خلاف قانون و نقایض الخلقه که خود حاکمی از دیکتاتوری مدرن می‌باشد، اعزام هیئت‌های حاشیه‌ساز سه نفره، تقابل با شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین باتکلیف نمودن فضای دانشگاهی باانتصاب چندین باره چند سرپرست برای یک دانشگاه یا یک سرپرست برای دو دانشگاه، مواردی است که حکایت از نقض مبرهن قوانین دارد که این خود موجبات ناآکارآمدی مهم‌ترین نهاد آموزش عالی را فراهم و به دلیل غلبه پیدا کردن این حاشیه‌ها و بروز یک بی‌ثباتی گسترده، شاهد کاهش رشد علمی کشور نیز می‌باشیم... تنها جلسه‌ای که طی این فرصت یک ماهه، وزیر محترم با تشکیلات‌های دانشجویی داشته‌اند، در جواب به سؤال دانشجویان پیرامون عملکرد وزارتخانه و انتصابات و حاشیه‌های دوران مسئولیتشان، جهت قرار از پرسش‌ها و مصادیق مشخص دانشجویان، به سیاسی بودن استیضاح خود اشاره نمودند و سعی در تکرار اتهامات و برچسب‌های پوسیده و قدیمی از جمله اقتدارگرایی جریانی داشتند که نشان از تصلب وزیر در طی نمودن این مسیر غلط دارد. این بار دانشجویان و بدنه دانشگاهی کشور خواستار استیضاح وزیر علوم و برگرداندن ریل نظام آموزشی کشور به مسیر صحیح هستند.»

دانشگاه



آیا «استیضاح» بهترین راه است؟

معتقد است به دلایلی، استیضاح وزیر علوم نه تنها نمی‌تواند موجب رفع نگرانی‌های نمایندگان محترم شود بلکه حتی باعث ایجاد هزینه‌هایی خواهد شد. «ضا فرجی‌دانا» اگر چه رسماً و قانوناً بر کرسی ریاست‌وزارت علوم نشسته‌است اما چنین آدم‌های اطراف او چون «توفیقی» نشان می‌دهد وزارت علوم دولت یازدهم توسط طیفی خاص در حال اداره شدن است. طیفی که چه «فرجی‌دانا» وزیر باشد و چه نباشد، نبضی این‌وزارتخانه را در دست دارند، بنابراین در صورت برگزائی و استیضاح وزیر هم، این جریان به مشی خویش ادامه خواهد داد.

در همین مدبٔ مطرح شدن بحث استیضاح، چه شخص وزیر و چه مجموعه دولت و چه برخی رسانه‌ها، به جای اینکه پاسخگوی اقدامات منفی وزارت علوم باشند و درصدد جبران این عملکرد نادرست برآیند، با دست گرفتن موضوع استیضاح، به تنظیم خواهی بر خاسته‌اند و داد مظلومیت سر می‌دهند که: «دولت یازدهم و وزیرش زیر فشار مجلس هستند، عده‌ای در صدد این مدت بر سر واقع شفاف‌سازی درباره آنچه در این مدت بر سر این وزارتخانه گذشته، جای خود را به نمایش‌های رسانه‌ای داده‌است؛ نمایش‌هایی که سعی می‌کنند از دانشجویان مسئله‌دار که به دلیل قانون شکنی و... از حریم دانشگاه کنار گذاشته شده بودند، رنگ هنداری است برای به حاشیه بردن فضای دانشگاهی کشور. اما به رغم تأیید همه این دغدغه‌ها و نگرانی‌ها، به نظر می‌رسد- «استیضاح» گزینه مناسبی برای مقطع زمانی کنونی نباشد. نگارنده به دلیل عدم اطلاع بدنه مردم از واقعیت آنچه در

نگاهی به وضعیت پایان‌نامه‌نویسی دانشجویان

خوان آخر دانشگاه



سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود...

نقطه تاریک دیگری که در وضعیت پایان‌نامه‌های کشور به چشم می‌خورد، جای خالی نوآوری و پژوهش محوری است. حتی اگر پایان‌نامه‌ای به طور کامل مانند پایان‌نامه‌های پیشین نباشد، از لحاظ ایده پردازی و پژوهش محوری چنگی به دل نمی‌زند. گویا بر خسی پایان‌نامه‌دار در یک دوره زمانی کوتاه، با مطالعه‌ای سطحی و مختصر، صرفاً گردآوری شده‌اند و در نهایت انگیزه نو اندیشی و طرح علمی جدی و خاصی را دنبال نمی‌کنند، لذا مقید هم نخواهند بود.

آیا محصول پژوهش و تحقیقی که استاد و دانشجو، مشترکاً یا به طور دسته‌جمعی انجام داده‌اند، به مرحله اجرا و عمل می‌رسد؟

آیا به این وسیله، دانشگاه‌ها، دانش‌ما و دانش‌ما و رتبه تحقیقاتی ما رشد می‌کند یا نه؟

ایده و محتوای پایان‌نامه، باید مرتبط با چالش‌ها

که در یک سراسیمگی تند، داریم به طرف بالا حرکت می‌کنیم، بله، حرکت کرد‌ه‌ایم، پیش هم رفته‌ایم، کارهای زیادی هم انجام گرفته‌است، اما وسط راهیم؛ به دلایل مختلف در نیمه راهیم، در این سربالایی تند که داریم حرکت می‌کنیم- اگر توقف کردیم، این توقف با عقبگرد همراه خواهد بود، توقف دیگر نیست. اگر حرکت ما از دور افتاد، باز گرداندن این نهضت، این حرکت، این شتاب علمی مشکل تر خواهد بود، این دغدغه ماست. مبدا و وضعیتنی پیش‌بایوریم که این حرکت متوقف شود. در یک دورانی دیدیم که در داخل وزارت کسائی بودند که در مقابل حرکت علمی و پیشرفت علمی مانع تراشی می‌کردند. اینها نباید تکرار بشود، دانشگاه در اختیار کسائی قرار نگیرد که پیشرفت علمی را به هیچ می‌انگارند، به آن اهمیت نمی‌دهند، دانشگاه در اختیار کسائی قرار بگیرد که عاشق پیشرفت علمی کشورند، اهمیت این مسئله را برای سرنوشت این ملت و برای سرنوشت این کشور درک می‌کنند.^(۱) رهبری همچنین بر دور ماندن دانشگاه‌ها از حاشیه‌های سیاسی تأکید کردند: «هن خواهی می‌کنم از مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان گوناگون مدیریتی که دانشگاه را مرکز جولان سیاسی و تلاش‌ها و فعالیت‌های جناح‌های سیاسی قرار ندهید. سمٔ مهلک حرکت علمی این است که دانشگاه‌ها تبدیل شوند به باشگاه‌های سیاسی؛ کاری که در یک دوره‌ای انجام گرفت. این به‌معنای نفی حرکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها نیست. بنده همیشه مدافع و منادی کار سیاسی دانشجوی‌ها و دانشگاهیان بود‌ه‌ام و هستم- الان هم معتقدم- منتها نگاه سیاسی، مشرب سیاسی، فهم سیاسی و فعالیت سیاسی داشتن، یک حرف است و دانشگاه‌ها را کلاس درس را و محیط علمی را جولانگاه کار سیاسی قرار دادن، یک حرف دیگری است، اینها با همدیگر تفاوت دارد. آراش دانشگاه کمک‌کننده این است که دانشگاه بتواند در زمینه مسائل علم کار خودش را انجام بدهد، وظیفه خودش را انجام بدهد و اگر خدای نکرده عکس این بشود، اولین ضربه‌ای که خواهیم خورد، این است که حرکت علمی در دانشگاه به نفع آن تر کشور متوقف خواهد شد یا کند خواهد شد و عرض کردیم توقف، به‌معنای عقبگرد است.»^(۲)

در مقطع کنونی، روشنگری در خصوص وضعیت فعلی وزارت علوم توسط نمایندگان، تشکلهای دانشجویی، رسانه‌های انقلابی و... تأثیر بیشتری در بازگرداندن قطار این وزارتخانه به ریل اصلی‌اش دارد، به‌هر میزان که جریان‌سازی در این‌باره موفق‌تر باشد، راه بر کسائی که قصد دارند در حاشیه بایوریم، به حاشیه ببرند، تنگ‌تر و سخت‌تر خواهد شد. در غیر این صورت حتی با روی کار آمدن وزیر جدید نیز شاهد اتفاق خیلی خاصی نخواهیم بود، به نظر می‌رسد همٔ‌سازان انقلاب باید در چه‌چ‌ه‌ای آگاسازی مردم و دانشگاهیان باشد. اگرچه این امر ناقی حق قانونی نمایندگان ملت در استیضاح نیست؛ اقدامی که در صورت اصرار مسئولان وزارت علوم بر مشی کنونی‌شان، انجام خواهد گرفت.

پی‌نوشت‌ها: ۲- بیانات جمع اساتید دانشگاه‌ها؛ ۱۳۸۴/۴

خود، می‌توانند در مراحل مختلف گگردآوری پایان‌نامه از جمله انتخاب موضوع و جهت‌گیری پایان‌نامه، معرفی منابع و بسیاری موارد دیگر، نقش مهم و سودمندی ایفا کنند که متأسفانه در برخی اوقات این مهم محقق نمی‌شود.

نوشدارو

اگر چه نوشداری سهراب خیلی دیر رسید و کار از کار گذشته بود اما درباره بهبود اوضاع پایان‌نامه‌ها، می‌توان امید به نوشداروهایی داشت. در کشور ما، هم اکنون یک مرجع مناسب و متمرکز برای ثبت پایان‌نامه‌ها وجود ندارد، که اگر چنین مرجعی وجود داشته باشد، داری پایان‌نامه‌ها نیز بهتر صورت می‌گیرد، زیرا به راحتی می‌توان تشخیص داد که پایان‌نامه‌ها مشابه یکدیگر نباشند. در خصوص ثبت‌کن کردن خرید و فروش پایان‌نامه‌ها نیز قرار است اقدامات مهمی صورت گیرد. توفیقی، مشاور وزیر علوم، در این رابطه اظهار داشته است: «فروش پایان‌نامه اقدام نامناسبی است. در آینده این اقدام زشت که بر خسی افراد سودجو انجام می‌دهند، در کشور برچیده خواهد شد.»
باید این نکته را ذکر کرد که حمایت‌های مالی و اجرایی دولت و نیز بخش خصوصی از پایان‌نامه‌ها، می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت سطح کیفی موضوع و محتوای پایان‌نامه‌ها داشته باشد. در حال حاضر اقداماتی هر چند اندک در این راستا صورت گرفته‌است، به طور مثال در محطاطات و برنامه‌ریزی بر شط‌ر تهران، اقدام به حمایت از پایان‌نامه‌های مرتبط با مشکلات موجود در شهر تهران کرده‌است. در ضمن باید گفت، پژوهش محوری، نواندیشی و کاربردی‌سازی دیگر نیز، به همین ترتیب باید پایان‌نامه راحل و ایده‌ای نو یا خود به همراه داشته باشد. از طرفی، ملاک‌های بهتری برای پذیرش پایان‌نامه‌ها باید در نظر گرفته شود. به طور مثال به ثبت رساندن مقاله‌های «ISI» که به عنوان یکی از ملاک‌های کیفی پایان‌نامه‌ها مطرح است، مدت‌هاست که در فضای علمی کشورهای پیشرفته منسوخ شده‌است؛ درباره همین موضوع دکتر روحانی، رئیس‌جمهور کشور مان، در اولین دیدار خود با رؤسای دانشگاه‌ها تأکید کرد که باید از اهمیت دادن بیش از حد به ثبت مقاله‌های «ISI» پرهیز کرد و به دنبال یافتن راهکارهایی بهتر در جهت از بین بردن مشکلات موجود کشور و پیاده‌سازی علم در زندگی مردم باشیم.

عدم همراهی استادان همراه

کوتاهی برخی اساتید راهنما در همکاری با دانشجویان و راهنمایی آنها نیز در کاهش سطح کیفی پایان‌نامه‌ها تأثیرگذار است. این درحالی است که استادان راهنما به استفاده از دانش و تجربیات

تیتنر خبر

- سرپرست دانشگاه تهران: در تلاش هستیم اساتید بازنستست‌های که تمایل به بازگشت دارند را به دانشگاه برگردانیم
- معاون وزیر علوم: امسال خبری از جذب هیئت علمی نیست
- نماینده مردم قزوین: «مهلت» تغییری در رویه وزیر علوم ایجاد نکرد، ابر استیضاح مُصر هستیم
- تأسیس دانشکده خبر در دانشگاه آزاد
- محدودیت ارائه خوابگاه در ۱۲۶ دانشگاه دولتی
- بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی از طرح تک‌ریم شپرداری تقدیر کرد
- فرجی‌دانا: سرانه ورزش دانشجویی کشور افزایش می‌یابد
- ثبت‌نام و اعلام آمادگی بیش از ۷۰۰ نفر از دانشگاهیان علوم پزشکی مشهد برای اعزام به غزه
- ۷۲۶ رشته محل در دانشگاه پیام نور حذف شد
- دانشگاه‌های ایران: به‌زودی جذب دانشجوی می‌کنیم
- معاون پژوهشی وزارت علوم: درخواست بازگشت بودجه پژوهشی یک تا ۳ درصد دستگاه‌ها را ارائه کردیم

زندگی دانشجویی

دکترای افتخاری

قراردادی بین دانشگاه خواجه‌نصیر و هانوفر آلمان نوشته شده بود که دانشجویان ارشد نیسی از تحصیلات خود را در تهران و مابقی را در هانوفر بگذرانند و پس از این دوره مشترک به آنها مدرک هانوفر آلمان را بدهند. اما در یوش به خاطر مسائل امنیتی نمی‌توانست آلمان برود، بگذریم از این مسئله که نتوانستند در ایران هم امنیت او را برقرار کنند.

آقای عباسی رفتند از وزیر گرفته تا مسئول آموزش دانشگاه خواجه‌نصیر را دیدند و با آنها صحبت کردند

که در یوش تمام دوره خود را در ایسرا گذرانند اما آنها قبول نکردند. بعد از شهادتش آمدند و به او دکتری افتخاری دادند. این دکترا بیشتر مار را رنجاند.

همکار شهید رضایی نژاد

دخترانه



نامه‌ای به دوست

زهرا صالحی

سلام

سرکار خانم نرگس خانم، به همراه این ایمیل مقدار زیادی دلخوری ضمیمه می‌شود، چراکه نه؟ دیشب دقیقاً در زمانی که من کتلت‌های پخت خودم را با خروار خروار امید و آرزو به همراه گوجه، بین برش‌های مرتب نان لواش می‌گذاشتم، پیامک زدی که قرار فردا کنسل!

اولش به قدری عصبانی شدم که می‌خواستم زنگ بزنم و... استغفرالله. چه چار در همان پیامک اول نگفتی که ریحانه دوباره تب کرده؟ اگر می‌ذااتا آدم تبیل و شلی نبودم، مطمئناً پس از دیدن اولین پیام، گوشه‌ی را برمی‌داشتیم و شما سر کار خانم مادر مجبور می‌شدی دوباره برای جبران اشتباهات از تفاوت‌های زندگی متاهلی و مادری و زندگی مجردی بگویی.

چون گفתי ریحانه تب کرده، نخواستم تماس بگیرم و مزاحمت شوم، گفتم نهم بنویسم تا هم مدرکی باشد برای بدقولی‌ها و هم سندی برای نشان دادن اینکه بنده آستانه تحملم بالا رفته. امسال هم مثل دو سال پیش نشد که بیایی، ولی اصلاً نگران نباش من امروز طبق قرارمان رفتم و به جای تو سنسگر را حفظ کردم و تا جیمین هون داشتی کتاب خریدم و شما سر کار خانم که هم‌میر و سبب‌مینی با طغر روغن سوخته بخورم (کتلت‌ها را هم خوردم). عکس کتاب‌هایی که گرفتم را به همراه چند عکس از محوطه و البته غدایمان ضمیمه ایمیل کردم.

کتاب‌هایی که برای نرگس خریده بودم را در کاغذ کادو کاهی رنگی پیچیدم و گذاشتم در کیسه‌ت تا فردا صبح همراه جوزه‌های این ترم برایش بصرم. فردا قرار بود با بچه‌ها برویم جشنه و به نامم را همان حوالی بخوریم، همه بودند جز غایب همیشگی‌مان، نرگس. نرگس، دوست صمیمی من بود و بعد از بچه‌دار شدنش حتی فرصت نکرده بودیم یک دل‌سیر باهم حرف بزنیم، دنیای‌مان در فاصله زمانی کوتاهی از هم جدا شده بود، اشتراکاتمان روز کم‌تر می‌شد، اما اشتیاقمان برای این‌نگه داشتن این دوستی قدیمی اجازه نمی‌داد نازِ یک‌بین‌مان پاره شود. من درگیر درس و کلاس و جلسه و کار و هزار و یک فعالیت رنگارنگ بودم، اما نرگس فقط درسش بود و ریحانه، باز هم می‌گفت وقت کم می‌آورم. مدتی بود که حتی در خلوت خودم هم متمشم نمی‌کردم به تنبلی و کم‌کاری، چراکه بحث‌هایمان را به قدر کافی کرده بودیم و آخر همه‌شان ختم می‌شد به تفاوت موقعیت و عدم درک مناسب نسبت به شرایط موجود! ایمیل را دوباره چک کردم، نرگس جواب داده بود: «تو و همه کارها و درس‌ها و جلسه‌ها و کتاب‌ها و فیلم‌ها، من و ریحانه و دانشگاه... کمیمه ایمیل مکس یک ال‌کلنگ را فرستاده بود که یک آدم چاق یک طرفش نشسته بود و یک آدم لاغر طرف دیگر.